

The Relationship Between Social Capital Components and Political Participation: A Meta-Analysis of Studies From 2008 to 2020

Akbar Zolfaghari^{1*}, Taha Ashayeri², Tahereh Jahanparvar³, Samira Bagheri Dinabadi⁴

- 1. Assistant Professor of Political Science-Development, Faculty of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran*
- 2. Assistant Professor of Sociology, Department of History and Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran*
- 3. PhD Student of Cultural Sociology, Faculty of Social Sciences, Communication and Media, Islamic Azad University, Tehran, Iran*
- 4. Undergraduate Student of Sociology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran*

(Received: April 20, 2022; Accepted: June 19, 2022)

Abstract

Political participation is an instance of collective perspective and policymaking that cannot be fulfilled without social capital. Thus, this study set out to examine the effect of social capital on political participant through meta-analysis method. The statistical population was comprised of 28 survey-type research documents published from 2008 to 2020. The criteria for the inclusion of research documents into the meta-analysis software were having a correlation coefficient, confidence interval, and sample size along with the foregoing publication year range. The findings showed that the overall effect of social capital on political participation is 46 percent. There were found significant relationships between some social capital components and political participation, including social solidarity (.461), social participation (.391), religious bonds (.310), social awareness (.301), social bonds (.208), social trust (.123), and expert reference group (.102). In sum, the study showed that social capital can provide robust support and can be a guarantee for the fulfillment of political participation. Social capital in societies is enhanced through the social connection and solidarity of ethnicities with ethnicities, ethnicities with government, and citizens with political rulers.

Keywords

Social capital, political participation, reference group, religious affiliation, ethnic identity.

* **Corresponding Author, Email:** akbar_zolfeghari@yahoo.com

رابطه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی: فراتحلیل

پژوهش‌های بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۹

اکبر ذوالفقاری^{۱*}، طاها عشایری^۲، طاهره جهان‌پرور^۳، سمیرا باقری دین‌آبادی^۴

۱. استادیار، علوم سیاسی- توسعه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. استادیار، جامعه‌شناسی، گروه تاریخ و جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی،

اردبیل، ایران

۳. دانشجوی دکتری، جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران

۴. دانشجوی کارشناسی، جامعه‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۳۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۹)

چکیده

زمینه و هدف: مشارکت سیاسی از چشم‌اندازها و سیاست‌گذاری‌های جمعی است که بدون سرمایه اجتماعی محقق نمی‌شود. بنابراین، این پژوهش قصد دارد اثر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی را با شیوه فراتحلیل بررسی و تبیین کند.
روش: روش تحقیق از نوع فراتحلیل است. حجم جامعه ۲۸ سند پژوهشی-پیمایشی است که در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۹ انجام شده است. داشتن ضریب همبستگی، سطح معناداری، حجم نمونه، و سال انجام دادن پژوهش از ملاک‌های ورود مقالات به نرم‌افزار فراتحلیل بوده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد اندازه اثر کلی سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی برابر با ۴۶ درصد است. بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی شامل انسجام اجتماعی (۰،۴۶۱)، مشارکت اجتماعی (۰،۳۹۱)، تعلق مذهبی (۰،۳۱۰)، آگاهی اجتماعی (۰،۳۰۱)، تعلق اجتماعی (۰،۲۰۸)، اعتماد اجتماعی (۰،۱۲۳)، و گروه مرجع نخبگان (۰،۱۰۲) با مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد.

نتیجه: سرمایه اجتماعی می‌تواند پشتوانه‌ای محکم و تضمینی برای تحقق مشارکت سیاسی باشد. سرمایه اجتماعی در اجتماعات با ارتباط و انسجام اجتماعی اقوام با اقوام، اقوام با نظام، و شهروندان با حکمرانان سیاسی تقویت می‌شود.

کلیدواژگان

تعلق مذهبی، سرمایه اجتماعی، گروه مرجع، مشارکت سیاسی، هویت قومی.

مقدمه و بیان مسئله

مشارکت سیاسی^۱ یکی از مصادیق مهم پویایی و توسعه‌یافتگی جوامع محسوب می‌شود. مشارکت شرکت فعالان انسان‌ها در حیات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی‌ست و تأثیر زیادی بر روند تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی دارد. مشارکت اشکال و درجات گوناگون دارد؛ شامل همکاری و همیاری، همبستگی، انطباق، سازگاری، پذیرش، انقیاد، شیفتگی. از این رو تشویق به مشارکت و تسهیل در فرایند تحقق آن همواره مورد توجه اندیشمندان بوده است. مشارکت فرایندی است که در طول زمان روی می‌دهد و همواره در حال تکوین و تکرار و تداوم است (نیازی و همکاران ۱۳۹۵). با مشارکت سیاسی، استعداد افراد با همکنشی با دیگران متبلور می‌شود و به خودیابی و مسئولیت‌پذیری می‌رسد. مشارکت سیاسی از مصادیق مهم مشارکت و از مهم‌ترین موضوعات نظام سیاسی و عملی ارادی و آگاهانه است که از راه‌های قانونی و مسالمت‌آمیز و مستقیم بر تصمیم‌گیری‌های اداره‌ی جامعه اثر می‌گذارد و نبود آن به سامان سیاسی و اهداف بلندمدت نظام سیاسی آسیب وارد می‌کند. مشارکت سیاسی مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و اعمال تعریف می‌شود که شهروندان با آن به نظام سیاسی نفوذ و از حکومت و سیاست حمایت می‌کنند (فیرحی ۱۳۷۷: ۴۴). سیاست به معنی نحوه‌ی سلوک فرد در سطوح مختلف نظام سیاسی است؛ از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی (فاضلی و خوشفر ۱۳۸۹: ۸۸) و مشارکت سیاسی شامل سبک‌های رفتار رأی‌دهی، فعالیت‌های سیاسی و حزبی و اجتماعی، تماس با صاحب‌منصبان، و اعتراض در فرایند ارتباط سیاسی است (میلبرث و گوئل ۱۳۸۶: ۴۰). مصادیق مشارکت در کشورهای جهان سوم که گذار از سنت به مدرنیته را تجربه می‌کنند حساس‌تر خود را نشان می‌دهند. زیرا دولت‌ها ناچارند برای کسب مشروعیت به مشارکت سیاسی تن دهند (غفاری‌هشجین و همکاران ۱۳۸۹: ۲۰۷). به عبارت دیگر، کشورهای در حال توسعه برای تحقق توسعه‌ی سیاسی ناچارند زمینه‌ی مشارکت شهروندان در امور سیاسی را فراهم و چالش‌ها را برطرف کنند (پناهی و بنی‌فاطمه ۱۳۹۴: ۳۶). ایران، به عنوان کشور در حال توسعه، از این قاعده مستثنا نیست و لازم است برای دستیابی به توسعه‌ی سیاسی بستر شرکت فعالان مردم در امور سیاسی را

فراهم کند و یکی از موضوعات مهم در مطالعات جامعه‌شناسی سیاسی همین موضوع است تا مشروعیت و کارآمدی نظام سیاسی مورد سنجش قرار گیرد (امام‌جمعه‌زاده و همکاران ۱۳۹۲: ۱۲۰). مشارکت سیاسی زمینه‌های توسعه سیاسی و اجتماعی جامعه را فراهم (کلاتری‌پور و همکاران ۱۳۹۵: ۱۴۶) و مشروعیت سیاسی نظام را تقویت می‌کند و افزایش می‌دهد (پناهی و عالی‌زاد ۱۳۸۳: ۹) و واسطه مطلوبی بین جامعه سیاسی و جامعه مدنی است (آبرکرامی و همکاران ۱۳۶۷: ۲۸۶). در فرایند مشارکت سیاسی، مردم مستقیم و غیرمستقیم در امور سیاست‌گذاری عمومی شرکت می‌کنند (McClosky 1968: 249؛ فیرحی ۱۳۷۷: ۴۴؛ میلبرث و گوئل ۱۳۸۶: ۵۱). بین صاحب‌نظران جامعه‌شناسی سیاسی، دورکیم و پاتنام و توکویل اهمیت سرمایه اجتماعی در افزایش مشارکت سیاسی را گوشزد کرده‌اند (Ulzurrun 2002: 497-523؛ LeRoux 2007: 410-422؛ Verba et al. 1995: 457؛ پناهی و شایگان ۱۳۸۶: ۷۴؛ خوشفر ۱۳۸۷: ۱). سرمایه اجتماعی، با تعدیل روابط، انسجام و همبستگی را ایجاد و تقویت می‌کند، حس اطمینان را در جامعه قوت می‌بخشد، و موجب مشارکت منابع انسانی در امور سیاسی و حفظ روابط آنان با دولت می‌شود (عباسی سرمدی و همکاران ۱۳۹۳: ۴۶). مشارکت سیاسی ابزاری است برای توسعه سیاسی (Aberg & Sandberg 2017؛ Boutilier 2017؛ Welzel et al. 2018)، برای اصلاح روابط، برای افزایش انسجام و اعتماد در جامعه، و برای مشارکت افراد و حفظ تعاملات آنان با دولت (La Due Lake & Huckfeldt 1998). مشارکت سیاسی، به عنوان یک کالای جمعی، زمانی افزایش می‌یابد که شهروندان از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار باشند. سرمایه اجتماعی اعتماد متقابل و هنجارهای جامعه را بهبود می‌بخشد و سطح مشارکت سیاسی را بالا می‌برد (Bolino et al. 2002؛ Teorell 2003). مشارکت سیاسی تابعی از میزان سرمایه اجتماعی است که شهروندان در نظام سیاسی دارند. بر این اساس هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی، مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی، و برآورد اندازه اثر متغیرهای میانجی بر مشارکت سیاسی با روش فراتحلیل است.

مبانی نظری تحقیق

سرمایه اجتماعی^۱: سرمایه اجتماعی با کارکرد آن تعریف می‌شود. کارکرد سرمایه اجتماعی تسهیل روابط اجتماعی است (Coleman 1994: 302). سرمایه اجتماعی شامل اعتماد، هنجار، و شبکه‌هاست که در قالب ساختار اجتماعی تحقق می‌یابد (Levi 1996: 34؛ Putnam 2000: 167). پیر بوردیو (۲۰۰۵: ۱۴۷) گونه‌های سرمایه را اقتصادی، فرهنگی، نمادین، و اجتماعی معرفی و تأکید کرده است سرمایه اجتماعی حاصل منابعی است که ایجادکننده شبکه‌ها و روابط و دلیل و شرط عضویت گروهی‌اند. سرمایه اجتماعی برآیند روابط افراد و گروه‌ها و اجتماعات است. اعتماد، به عنوان مهم‌ترین عنصر سرمایه اجتماعی، از دل افراد و گروه‌ها و اجتماعات بیرون می‌آید و با کمک این عناصر کنش جمعی جهت تحقق اهداف جمعی عملیاتی می‌شود (Coleman 1994: 465؛ کلمن ۱۳۹۰: ۴۶۵).

مشارکت سیاسی: مشارکت سهم یافتن، سود بردن، شرکت جستن، و همکاری کردن است (غفاری و نیازی ۱۳۸۶: ۱۲). مشارکت سیاسی همان شرکت فعال در حیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی (سروش و حسینی ۱۳۹۲: ۹۴) و دخالت آگاهانه، هوشیارانه، متعهدانه در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، فعالیت انجمن‌ها، تشکل‌های حرفه‌ای محلی و منطقه‌ای است (ازکیا و غفاری ۱۳۹۶: ۲۵). مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه برای انتخاب رهبران و شرکت در سیاست‌گذاری‌هاست (بیرو ۱۳۸۰: ۲۷۵). به‌زعم راش (۱۳۹۹: ۱۲۰)، مشارکت سیاسی درگیری فرد در فعالیت‌های سیاسی- از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی- را در بر می‌گیرد. به باور هانتینگتون (جوج و گله‌دار ۱۳۹۱: ۱۰) مشارکت سیاسی به معنای تلاش شهروندان برای تحت تأثیر قرار دادن سیاست‌های عمومی‌ست. مشارکت سیاسی تصمیم آگاهانه برای مشارکت در تعیین سرنوشت جامعه برای پیشرفت و توسعه است. مشارکت سیاسی مهم‌ترین پایه ورود شهروندان به حوزه‌های مشارکتی و پیش‌زمینه و پیش‌نیاز هم‌فکری و همکاری افراد برای بهبود کمیت و کیفیت زندگی افراد است (غفاری و نیازی ۱۳۸۶: ۱۲). به نظر آلموند و وربا (فرهمند و همکاران ۱۳۹۵: ۱۷، به نقل از امام‌جمعه‌زاده و همکاران ۱۳۸۹: ۱۸) انواع مشارکت سیاسی رسمی

و غیررسمی است که رسمی آن زمینه‌ساز انسجام سیستم سیاسی و غیررسمی آن نشان‌دهنده بحران در نظام سیاسی است و بی‌توجهی به آن بی‌ثباتی‌های سیاسی در قالب شورش، انقلاب، و ... را به دنبال خواهد داشت (حبیب‌پور و موسوی خورشیدی ۱۳۹۵). مشارکت سیاسی شامل رأی دادن، شرکت در انتخاب مسئولان، حضور در تشکل‌های فعال سیاسی، نقد عملکرد نهادها و مسئولان و ساختار حکومتی، نامزدی برای پست‌های سیاسی، فعالیت انتخاباتی، دخالت در اصلاح ساختاری، و اقدام برای تغییر نهادها و ساختارهاست (خداوردی ۱۳۸۳: ۲۳).

نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت سیاسی: نقش سرمایه اجتماعی در ارتقای اثربخشی نظام‌های دموکراتیک در مطالعات متعدد بررسی شده است (Leonardi et al. 2001؛ Putnam 1995؛ Skocpol & Fiorina 2004؛ & 2000). سرمایه اجتماعی به ابزاری برای تحقق مشارکت سیاسی تبدیل شده و مشارکت سیاسی بالا نشان از سرمایه اجتماعی بالاست. سرمایه اجتماعی دارای مؤلفه‌هایی چون مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، شبکه‌های ارتباطی، و آگاهی اجتماعی است. به عبارتی سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از موجودیت‌هاست که با دخالت در ساختار و روابط مشارکت را تسهیل می‌کند (Coleman 1994: 302). ترل (۲۰۰۳: ۵۰، به نقل از Verba et al. 1995) فعالیت داوطلبانه افراد در انجمن‌های سیاسی و فرهنگی و اجتماعی را به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در افزایش مشارکت سیاسی مؤثر دانسته و تأکید کرده است این مشارکت با آموزش مهارت‌های مدنی گسترده‌تر می‌شود. سرمایه اجتماعی با پیوند اعضای جامعه جهت‌کنش جمعی و اجتماعی ابزارهای لازم را فراهم می‌کند تا اعضا بتوانند در امور سیاسی، فرهنگی، اجتماعی مشارکت کنند (Krishna 2002). سرمایه اجتماعی، به مثابه شبکه‌های اجتماعی، هنجارها، و اعتماد اهداف مشترکی از جمله مشارکت سیاسی جمعی را دنبال و پیگیری می‌کند (Putnam 1995: 664-665). پوتنام (۱۹۹۵ و ۲۰۰۰) کاهش میزان مشارکت سیاسی در ایالات متحده را با فرسایش سرمایه اجتماعی مرتبط دانسته، اما تأکید کرده بین مشارکت سیاسی، روابط شهروندان با نهادهای سیاسی، روابط شهروندان با یکدیگر، و سرمایه اجتماعی تمایزاتی وجود دارد (Putnam 1995: 665). سلیگسون (۱۹۹۹) با حمایت و پشتیبانی از نظریه پوتنام، مبتنی بر پیوند سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی، نقش مشارکت سازمانی را در

افزایش مشارکت سیاسی با اهمیت خوانده است. ریچارد (۱۹۹۸: ۷۸۲) نقش کنشگری جامعه مدنی را در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و سیاسی بررسی و اضافه کرده است فعالیت‌های مدنی، با ایجاد نگرش‌های تقاضامحور، زمینه افزایش مشارکت سیاسی را فراهم می‌کنند و نظام سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. نوریس (۲۰۰۲: ۳ - ۴) با گوشزد کردن اهمیت اعتماد بین‌فردی و کنشگری اجتماعی در مشارکت سیاسی تأکید کرده است در مباحث سنتی مشارکت مدنی و مشارکت سیاسی با هم دیده شده‌اند و رأی‌گیری، فعالیت‌های انتخاباتی، ساماندهی جامعه، و فعالیت‌های ارتباطی از محورهای مهم این مشارکت تعریف شده‌اند.

پیشینه تجربی

تحقیقات صورت‌گرفته در زمینه سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. پیشینه تجربی تحقیق

عنوان مقاله	نویسنده	جامعه آماری	حجم نمونه	شیوه نمونه‌گیری	رشته تحصیلی نویسنده
بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی	نجفی و همکاران (۱۳۹۹)	شهروندان	۳۸۴	تصادفی ساده	جامعه‌شناسی
بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان	اسلامی و همکاران (۱۳۹۸)	شهروندان	۳۸۳	تصادفی خوشه‌ای	جامعه‌شناسی
بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی شهروندان	خوشفر و همکاران (۱۳۹۸)	شهروندان	۴۰۷	طبقه‌ای	جامعه‌شناسی
سنجش میزان تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی	شوهانی و شوهانی (۱۳۹۸)	شهروندان	۳۹۰	خوشه‌ای	علوم سیاسی
بررسی تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی	باقری و همکاران (۱۳۹۷)	زنان	۳۸۴	طبقه‌ای	جامعه‌شناسی
تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی حبیب‌پور و موسوی خورشیدی (۱۳۹۶)	انصاری (۱۳۹۶)	جوانان	۳۸۴	تصادفی	مدیریت
رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی	موسوی خورشیدی (۱۳۹۵)	شهروندان	۳۸۳	خوشه‌ای چندمرحله‌ای	جامعه‌شناسی

ادامه جدول ۱. پیشینه تجربی تحقیق

عنوان مقاله	نویسنده	جامعه آماری	حجم نمونه	شیوه نمونه‌گیری	رشته تحصیلی نویسنده
واکاوی جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی شهروندان از منظر سرمایه اجتماعی	نیازی و همکاران (۱۳۹۶)	شهروندان ۱۸ سال به بالا	۳۳۰	تصادفی	علوم اجتماعی
بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند	ایمانی (۱۳۹۵)	شهروندان	۳۸۱	تصادفی	جامعه‌شناسی
بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی بین دانشجویان دانشگاه پیام نور شهرکرد	خلف‌خانی و حیدری (۱۳۹۴)	دانشجویان	۴۰۷	تصادفی	علوم سیاسی
تعیین رابطه سرمایه اجتماعی کاربران ایرانی در شبکه اجتماعی فیس‌بوک و مشارکت سیاسی در دنیای واقعی	عبداللهیان و کرمانی (۱۳۹۴)	دانشجویان	۶۷۴	تصادفی ساده	علوم اجتماعی
بررسی نقش ابعاد ساختاری و ارتباطی سرمایه اجتماعی در تبیین مشارکت سیاسی	امام‌جمعه‌زاده و همکاران (۱۳۹۳)	دانشجویان	۳۸۴	تصادفی	علوم سیاسی
بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت در انتخابات	عباسی سرمدی و همکاران (۱۳۹۳)	دانشجویان	۳۸۳	طبقه‌ای	علوم سیاسی
بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله استان بوشهر)	نجات و همکاران (۱۳۹۳)	جوانان	۴۷۵	تصادفی	جامعه‌شناسی
بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی	امام‌جمعه‌زاده و مرندی (۱۳۹۱)	زنان	۲۸۸	تصادفی ساده	علوم سیاسی
بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی	امام‌جمعه‌زاده و همکاران (۱۳۹۱)	دانشجویان	۱۸۸	خوشه‌ای	علوم سیاسی
بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی	پناهی و خوشفر (۱۳۹۰)	جوانان	۵۰۲	تصادفی طبقه‌ای	جامعه‌شناسی
بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان	موحد و همکاران (۱۳۸۷)	زنان	۳۹۸	تصادفی	جامعه‌شناسی

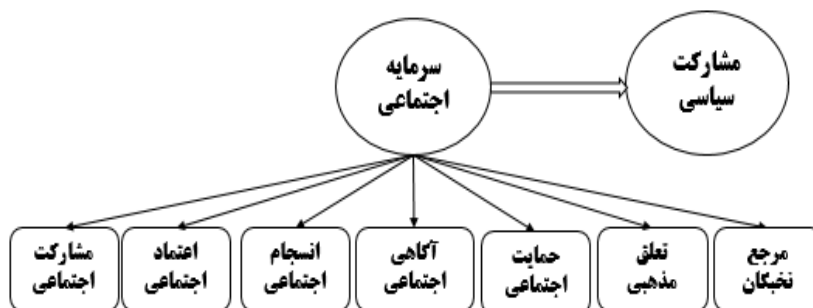
نقد و نوآوری پژوهش

مشارکت سیاسی از مکانیسم‌های ارتباط شهروندان با حاکمیت و نظام سیاسی و سرمایه اجتماعی حلقه واسطه این فرایند است و نقش مهمی در ترغیب شهروندان برای حضور در انتخابات دارد.

درباره این متغیرها ۱۸ سند پژوهشی، در بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۹، به دست آمد. این تحقیقات با نتایج ارزشمند، به سبب عدم جمع‌بندی و تجمیع، نیازمند فراتحلیل جامع هستند. بنابراین، تحقیق حاضر با استفاده از روش فراتحلیل نتایج پراکنده پژوهش‌های قبلی را غربال و ارزیابی کرد و در قالب اندازه اثر برآورد که مبین نقش متغیرهای میانجی مؤثر بر رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی است.

الگوی نظری پژوهش

با توجه به مطالعات تجربی و بیان مسئله و مبانی نظری، مدل نظری به شرح شکل ۱ است.



شکل ۱. الگوی نظری پژوهش

روش پژوهش

تحقیق از نوع فراتحلیل کمی است که محقق با استفاده از مرور پیشینه و تحقیقات صورت گرفته در بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۹، با محوریت سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی، حجم نمونه ۱۸ تحقیق را شناسایی کرد و پس از کنترل به لحاظ روش، اعتبار، روایی، و یافته‌های علمی آن‌ها را بر حسب روش، حجم نمونه، ضرایب همبستگی، سطح معناداری، جامعه آماری، و سال دسته‌بندی و سازماندهی کرد. بعد از شناسایی ضرایب همبستگی و حجم نمونه و سطح معناداری، تحقیقات وارد نرم‌افزار شد و اندازه اثر نهایی هر پژوهش و اثر نهایی کل به وسیله فرمول فیشر و کوهن مشخص شد. برای تشخیص همگنی یا ناهمگنی این تحقیقات، از نمودار کیفی و آزمون Q و بعد

از اثبات فرضیه ناهمگنی مطالعات از متغیر تعدیلگر (زمینه‌ای) برای سنجش میزان اثر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی استفاده شد.

جدول ۲. خلاصه پژوهش فراتحلیل

نویسنده	محل مطالعه	قوم	روش
نجفی و همکاران (۱۳۹۹)	کرمانشاه	کرد	کمی+پرسشنامه
اسلامی و همکاران (۱۳۹۸)	تهران	فارس	کمی+پرسشنامه
خوشفر و همکاران (۱۳۹۸)	گرگان	ترکمن	کمی+پرسشنامه
شوهانی و شوهانی (۱۳۹۸)	ایلام	کرد	کمی+پرسشنامه
باقری و همکاران (۱۳۹۷)	خوزستان	عرب	کمی+پرسشنامه
انصاری (۱۳۹۶)	کهگیلویه و بویراحمد	لر	کمی+پرسشنامه
حبیب‌پور و موسوی (۱۳۹۶)	قم	فارس	کمی+پرسشنامه
نیازی و همکاران (۱۳۹۶)	کاشان	فارس	کمی+پرسشنامه
ایمانی (۱۳۹۵)	مرند	ترک	کمی+پرسشنامه
خلف‌خانی و حیدری (۱۳۹۴)	شهرکرد	کرد	کمی+پرسشنامه
عبداللهیان و کرمانی (۱۳۹۴)	تهران	فارس	کمی+پرسشنامه
امام‌جمعه زاده و همکاران (۱۳۹۳)	اصفهان	فارس	کمی+پرسشنامه
عباسی سرمدی و همکاران (۱۳۹۳)	اصفهان	فارس	کمی+پرسشنامه
نجات و همکاران (۱۳۹۳)	بوشهر	فارس	کمی+پرسشنامه
امام‌جمعه‌زاده و مرندی (۱۳۹۱)	مشهد	فارس	کمی+پرسشنامه
امام‌جمعه‌زاده و همکاران (۱۳۹۱)	اصفهان	فارس	کمی+پرسشنامه
پناهی و خوشفر (۱۳۹۰)	گلستان	ترکمن	کمی+پرسشنامه
موحد و همکاران (۱۳۸۷)	شیراز	فارس	کمی+پرسشنامه

یافته‌های پژوهش

یافته‌های تحقیق در دو دسته توصیفی و تحلیلی ارزیابی شدند.

توصیفی

- پوشش زمانی پژوهش

جدول ۳. پوشش زمانی پژوهش

سال	فراوانی	درصد
۱۳۹۹	۱	۵
۱۳۹۸	۳	۱۶
۱۳۹۷	۱	۵
۱۳۹۶	۳	۱۶
۱۳۹۵	۱	۵
۱۳۹۴	۲	۱۱
۱۳۹۳	۳	۱۶
۱۳۹۱	۲	۱۱
۱۳۹۰	۱	۵
۱۳۸۷	۱	۵
جمع کل	۱۸	۱۰۰

سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۸ بیشترین درصد تحقیق (۱۶) را به خود اختصاص داده‌اند.

– رشته تخصصی نویسندگان مسئول

جدول ۴. رشته تخصصی نویسندگان مسئول

نوع رشته تخصصی نویسندگان	فراوانی	درصد
رشته علوم اجتماعی	۱۱	۶۱
رشته علوم سیاسی	۶	۳۳
رشته مدیریت	۱	۵
جمع کل	۱۸	۱۰۰

رشته تخصصی نویسندگان مسئول مقالات ۶۱ درصد از علوم اجتماعی و ۳۳ درصد از علوم سیاسی بوده است.

– شیوه نمونه‌گیری مطالعات

جدول ۵. شیوه نمونه‌گیری مطالعات

درصد	فراوانی	شیوه نمونه‌گیری
۶۱	۱۱	تصادفی
۲۲	۴	خوشه‌ای
۱۶	۳	طبقه‌ای
۱۰۰	۱۸	جمع کل

شیوه نمونه‌گیری روش تصادفی با ۶۱ درصد فراوانی بوده است.

– جامعه آماری مورد بررسی

جدول ۶. جامعه آماری مورد بررسی

درصد	فراوانی	جامعه آماری
۱۶	۳	جوانان
۲۷	۵	دانشجویان
۱۶	۳	زنان
۳۸	۷	شهروندان
۱۰۰	۱۸	جمع کل

بالاترین درصد فراوانی جامعه آماری (۳۸) به شهروندان تعلق دارد.

– هویت قومی مورد بررسی

جدول ۷. هویت قومی مورد بررسی

درصد	فراوانی	جامعه آماری
۵	۱	ترک
۱۱	۲	ترکمن
۵	۱	عرب
۵۵	۱۰	فارس
۱۶	۳	کرد
۵	۱	لر
۱۰۰	۱۸	جمع کل

گروه قومی فارس (۵۵٪) نسبت به سایر گروه‌های قومی بیشتر مورد بررسی محققان بوده است.

– سطح توسعه استان

جدول ۸. سطح توسعه استان

درصد	فراوانی	شیوه نمونه‌گیری
۳۸	۷	توسعه‌یافته
۲۲	۴	در حال توسعه
۳۸	۷	کم‌توسعه
۱۰۰	۱۸	جمع کل

۳۸ درصد از تحقیقات در مناطق توسعه‌یافته و کمتر توسعه‌یافته و ۲۲ درصد هم در مناطق در حال توسعه انجام شده است.

تحلیلی

در این قسمت اندازه اثر مطالعات، متغیرهای تعدیگر، و آزمون همگنی بررسی شد. یافته‌ها نشان داد مطالعات خوشفر و همکارانش (۱۳۹۸) با مقدار ۰,۸۴ درصد، انصاری (۱۳۹۶) با مقدار ۰,۷۴ درصد، شوهانی و شوهانی (۱۳۹۸) با مقدار ۰,۷۹ درصد بیشترین تأثیر و مطالعات خلف‌خانی و حیدری (۱۳۹۴) با مقدار ۰,۲۰ درصد، ایمانی (۱۳۹۵) و موحد و همکارانش (۱۳۸۷) با مقدار ۰,۲۲ درصد کمترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی داشته‌اند. در مجموع ۱۸ تحقیق توانسته‌اند ۰,۴۶ درصد (ثابت) و ۰,۴۶ درصد (تصادفی) مشارکت سیاسی را تبیین کنند. بر اساس یافته‌ها به اندازه یک میزان تغییر در میزان سرمایه اجتماعی ۰,۴ تغییر در میزان مشارکت سیاسی ایجاد می‌شود. مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی شامل انسجام اجتماعی (۰,۴۶۱)، مشارکت اجتماعی (۰,۳۹۱)، تعلق مذهبی (۰,۳۱۰)، آگاهی اجتماعی (۰,۳۰۱)، تعلق اجتماعی (۰,۲۰۸)، اعتماد اجتماعی (۰,۱۲۳)، و گروه مرجع نخبگان (۰,۱۰۲) بر مشارکت سیاسی تأثیر معنادار داشته‌اند. بر اساس یافته‌های تحقیق، با اطمینان ۹۹ درصد، فرض همگنی مطالعات رد و فرض ناهمگنی مطالعات تأیید شد. یافته‌ها نشان داد ۷۹ درصد تغییرات کل مطالعات به ناهمگنی پژوهش مربوط است. بنابراین، باید از اثر تصادفی برای تحلیل استفاده کرد. به عبارت دیگر، تبیین رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی

نشان می‌دهد تحقیقات به لحاظ ویژگی متفاوت‌اند و برای تشخیص این تفاوت‌ها باید از متغیر تعدیلگر استفاده کرد.

یافته‌ها نشان داد مشارکت سیاسی در رشته‌های علوم اجتماعی (۰,۴۸) بیش از سایر رشته‌های تحصیلی از سرمایه اجتماعی متأثر بوده است. اثر کلی نوع رشته تحصیلی بر مشارکت سیاسی برابر با ۰,۴۵ درصد بوده است. یافته‌ها نشان داد شهروندان عمومی با مقدار ۰,۵۷ درصد و جوانان با مقدار ۰,۵۲ درصد بیشترین و گروه دانشجویان با مقدار ۰,۳۵ درصد و زنان با مقدار ۰,۲۷ درصد کمترین تأثیر را به عنوان متغیر میانجی بر مشارکت سیاسی داشته‌اند و اثر کلی نوع جامعه آماری بر مشارکت برابر با ۰,۴۵ درصد بوده است. بر اساس یافته‌های تحقیق، از بین گروه‌های قومی، هویت قومی عرب با مقدار ۰,۴۷ درصد و هویت قومی ترک با مقدار ۰,۴۳ درصد بیشترین و هویت قومی کرد با مقدار ۰,۳۹ درصد، هویت قومی فارس با مقدار ۰,۳۰ درصد، و همچنین قوم ترک با مقدار ۰,۳۸ درصد به عنوان متغیر میانجی کمترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی داشته‌اند و اثر کلی هویت قومی بر مشارکت سیاسی با ۰,۴۶ درصد برابر بوده است. یافته‌های تحقیق نشان داد از بین استان‌های مورد مطالعه مناطق در حال توسعه با مقدار ۰,۵۰ درصد و کمتر توسعه یافته با مقدار ۰,۴۵ درصد بیشترین و استان‌های توسعه یافته با مقدار ۰,۳۷ درصد کمترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی داشته‌اند و اثر کلی سطح توسعه بر مشارکت سیاسی برابر با ۰,۳۸ درصد بوده است؛ که در ادامه مطالعه به تفکیک و تفصیل به تحلیل آن‌ها پرداخته خواهد شد.

- اندازه اثر تحقیقات

نتایج فراتحلیل نشان می‌دهد مطالعات خوشفر و همکارانش (۱۳۹۸) با مقدار ۰,۸۴ درصد، انصاری (۱۳۹۶) با مقدار ۰,۷۴ درصد، شوهانی و شوهانی (۱۳۹۸) با مقدار ۰,۷۹ درصد بیشترین تأثیر و مطالعات خلف‌خانی و حیدری (۱۳۹۴) با مقدار ۰,۲۰ درصد، ایمانی (۱۳۹۵) و موحد و همکارانش (۱۳۸۷) با مقدار ۰,۲۲ درصد کمترین تأثیر را در مشارکت سیاسی شهروندان داشته است.

جدول ۹. اندازه اثر پژوهش

گزارش آماری					نویسندگان و سال
sig	Z	upper	lower	Effect size	
۰,۰۰۰	۱۲,۲۱۱	۰,۶۲۱	۰,۴۸۲	۰,۵۵۵	نجفی و همکاران (۱۳۹۹)
۰,۰۰۰	۸,۰۳۸	۰,۴۷۲	۰,۳۰۲	۰,۳۹۰	اسلامی و همکاران (۱۳۹۸)
۰,۰۰۰	۲۴,۵۴۵	۰,۸۶۶	۰,۸۰۹	۰,۸۴۰	خوشفر و همکاران (۱۳۹۸)
۰,۰۰۰	۱۸,۶۹۸	۰,۷۸۲	۰,۶۹۲	۰,۷۴۰	شوهانی و شوهانی (۱۳۹۸)
۰,۰۰۰	۵,۵۷۳	۰,۳۶۸	۰,۱۸۳	۰,۲۷۸	باقری و همکاران (۱۳۹۷)
۰,۰۰۰	۲۱,۳۹۰	۰,۸۳۳	۰,۷۶۰	۰,۷۹۹	انصاری (۱۳۹۶)
۰,۰۰۰	۱۰,۳۹۹	۰,۵۶۱	۰,۴۰۸	۰,۴۸۸	حبیب پور و موسوی (۱۳۹۶)
۰,۰۰۰	۳,۹۵۱	۰,۴۸۹	۰,۲۵۵	۰,۲۵۱	نیازی و همکاران (۱۳۹۶)
۰,۰۰۰	۴,۴۱۰	۰,۳۱۶	۰,۱۲۵	۰,۲۲۳	ایمانی (۱۳۹۵)
۰,۰۰۰	۴,۱۰۴	۰,۳۰۲	۰,۱۱۰	۰,۲۰۸	خلف خانی و حیدری (۱۳۹۴)
۰,۰۰۰	۸,۳۰۳	۰,۳۷۷	۰,۲۴۰	۰,۳۱۰	عبداللهیان و کرمانی (۱۳۹۴)
۰,۰۰۰	۱۰,۷۲۲	۰,۵۷۱	۰,۴۲۱	۰,۵۰۰	امام جمعه زاده و همکاران (۱۳۹۳)
۰,۰۰۰	۸,۰۲۷	۰,۴۷۲	۰,۳۰۲	۰,۳۹۰	سرمدی و همکاران (۱۳۹۳)
۰,۰۰۰	۷,۶۹۳	۰,۴۱۷	۰,۲۵۸	۰,۳۴۰	نجات و همکاران (۱۳۹۳)
۰,۰۰۰	۶,۰۷۳	۰,۴۴۳	۰,۲۳۹	۰,۳۴۵	امام جمعه زاده و مرندی (۱۳۹۱)
۰,۰۰۰	۷,۱۱۳	۰,۵۸۳	۰,۳۶۲	۰,۴۸۰	امام جمعه زاده و همکاران (۱۳۹۱)
۰,۰۰۰	۷,۰۶۲	۰,۳۸۳	۰,۲۲۴	۰,۳۰۶	پناهی و خوشفر (۱۳۹۰)
۰,۰۰۰	۴,۵۵۰	۰,۳۱۶	۰,۱۳۰	۰,۲۲۵	موحد و همکاران (۱۳۸۷)

- تأثیر کلی سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی (اثر کلی)

جدول ۱۰. اثر کلی سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی

گزارش آماری					نوع اثر
sig	Z	upper	lower	Effect size	
۰,۰۰۰	۴۰,۵۲۸	۰,۴۷۹	۰,۴۴۲	۰,۴۶۱	اثر ثابت
۰,۰۰۰	۶,۷۸۵	۰,۵۷۹	۰,۳۴۶	۰,۴۶۸	اثر تصادفی

نتایج نشان می‌دهد در مجموع ۱۸ تحقیق توانسته‌اند ۰,۴۶ درصد (ثابت) و ۰,۴۶ درصد (تصادفی) مشارکت سیاسی را تبیین کنند. بر اساس یافته‌ها، به اندازه یک میزان تغییر در میزان سرمایه اجتماعی ۰,۴ تغییر در میزان مشارکت سیاسی رخ می‌دهد.

– تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی

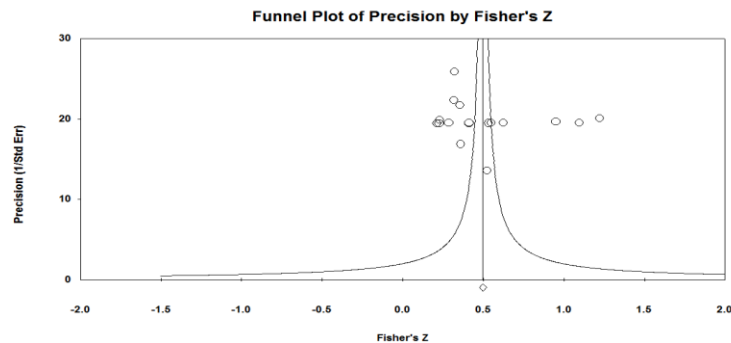
جدول ۱۱. تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی

sig	Z	گزارش آماری		Effect size	نوع متغیر
		upper	lower		
۰,۰۰۰	۳,۰۹۱	۰,۱۳۲	۰,۱۰۱	۰,۱۲۳	اعتماد اجتماعی
۰,۰۰۰	۸,۱۱۴	۰,۳۵۱	۰,۲۴۴	۰,۴۶۱	انسجام اجتماعی
۰,۰۰۰	۱۲,۷۴۳	۰,۴۷۸	۰,۳۱۵	۰,۳۹۱	مشارکت اجتماعی
۰,۰۰۱	۷,۸۱۲	۰,۲۹۲	۰,۱۶۲	۰,۳۰۱	آگاهی اجتماعی
۰,۰۰۰	۷,۱۶۳	۰,۳۲۱	۰,۱۸۰	۰,۲۰۸	تعلق اجتماعی
۰,۰۰۰	۴,۱۵۶	۰,۳۹۸	۰,۲۱۴	۰,۱۰۲	گروه مرجع نخبگان
۰,۰۰۰	۳,۷۷۱	۰,۲۷۸	۰,۱۲۹	۰,۳۱۰	تعلق مذهبی

نتایج نشان می‌دهد مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی شامل انسجام اجتماعی (۰,۴۶۱)، مشارکت اجتماعی (۰,۳۹۱)، تعلق مذهبی (۰,۳۱۰)، آگاهی اجتماعی (۰,۳۰۱)، تعلق اجتماعی (۰,۲۰۸)، اعتماد اجتماعی (۰,۱۲۳)، گروه مرجع نخبگان (۰,۱۰۲) بر مشارکت سیاسی شهروندان تأثیر معناداری داشته‌اند.

نمودار کیفی (بررسی میزان همگنی و ناهمگنی پژوهش)

در رگرسیون اگر مقدار فیشر و نحوه پراکندگی اطراف خط نشان می‌دهد مطالعات تا چه اندازه همگن هستند. مطابق پراکندگی نقاط اطراف خط شیب، مطالعات به دلیل تفاوت‌های جغرافیایی، زمان اجرا، نویسندگان، و نوع جامعه آماری همگن نبوده‌اند. در نمودار ۱، در صورت فقدان سوگیری انتشار، مطالعات انجام‌شده به صورت متقارن در اطراف اندازه اثر ترکیبی توزیع می‌شوند.



نمودار ۱. رگرسیون اگر برای میزان همگنی و ناهمگنی پژوهش

آزمون Q

این آزمون اگر برای همگنی و ناهمگنی مطالعات به کار برود دو فرض اساسی مطرح می‌کند:

فرض صفر: بین مطالعات تحت بررسی تفاوت معناداری وجود ندارد.

فرض خلاف: بین مطالعات تحت بررسی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱۲. آزمون Q

وضعیت همگنی مطالعات			
Q-value	df	p-value	I-squared
۵۹۷,۷۲۱	۱۷	۰,۰۰۰	۹۷,۳۲۳

با توجه به نتایج مدل با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت فرض صفر مبتنی بر همگن بودن مطالعات رد و فرض ناهمگونی (ناهمگنی) پژوهش‌ها تأیید شده است. معنادار بودن $Q=۷۲۴$ نشان از ناهمگنی دارد. مقدار مجذور i دارای مقداری بین ۰ تا ۱۰۰ است و ناهمگنی را به شکل درصدی نشان می‌دهد. هر چه به ۱۰۰ نزدیک‌تر باشد ناهمگنی بیشتر اندازه‌های اثر پژوهش اولیه را نشان می‌دهد. مقدار ۷۹ درصد مؤید این است که ۷۹ درصد تغییرات کل مطالعات به ناهمگنی پژوهش مربوط است. بنابراین باید از اثر تصادفی برای تحلیل استفاده کرد. این وضعیت می‌گوید بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی، به لحاظ ویژگی تحقیقات، متفاوت‌اند و برای تشخیص این تفاوت‌ها و واریانس باید از متغیر تعدیلگر استفاده کرد. نامتجانس بودن نشان‌دهنده

وجود اثر تعدیل در اندازه اثر مطالعات است. بنابراین، علاوه بر اندازه اثر، باید اثر تعدیل متغیرهای دیگر را نیز بررسی کرد.

– تأثیر رشته‌های تحصیلی بر مشارکت سیاسی

جدول ۱۳. تأثیر رشته‌های تحصیلی بر مشارکت سیاسی

تصادفی			رشته تحصیلی
sig	z-value	اندازه ترکیبی	
۰,۰۰۰	۴,۷۵۶	۰,۴۸۸	رشته علوم اجتماعی
۰,۰۰۰	۵,۰۵۷	۰,۴۳۷	رشته علوم سیاسی
۰,۰۰۰	۲۶,۱۲۷	۰,۴۰۱	رشته مدیریت
۰,۰۰۰	۶,۹۲۷	۰,۴۵۸	اثر کل

نتایج نشان می‌دهد مشارکت سیاسی در رشته‌های علوم اجتماعی (۰,۴۸) بیش از سایر رشته‌های تحصیلی متأثر از سرمایه اجتماعی و اثر کلی نوع رشته تحصیلی بر مشارکت سیاسی برابر با ۰,۴۵ درصد است.

– تأثیر نوع جامعه آماری بر مشارکت سیاسی

جدول ۱۴. تأثیر نوع جامعه آماری بر مشارکت سیاسی

تصادفی			نوع جامعه آماری
sig	z-value	اندازه ترکیبی	
۰,۰۱۶	۲,۴۱۸	۰,۵۲۹	جوانان
۰,۰۰۰	۵,۵۱۲	۰,۳۵۶	دانشجویان
۰,۰۰۰	۷,۸۰۹	۰,۲۷۹	زنان
۰,۰۰۰	۴,۴۰۶	۰,۵۷۹	شهروندان عمومی
۰,۰۰۰	۶,۹۲۷	۰,۴۵۸	اثر کل

نتایج اندازه اثر تعدیلی گروه جامعه آماری نشان می‌دهد شهروندان عمومی با مقدار ۰,۵۷ درصد و جوانان با مقدار ۰,۵۲ درصد بیشترین و گروه دانشجویان با مقدار ۰,۳۵ درصد و زنان با

مقدار ۰,۲۷ درصد کمترین تأثیر را به عنوان متغیر میانجی بر مشارکت سیاسی داشته‌اند و اثر کلی نوع جامعه آماری بر مشارکت سیاسی برابر با ۰,۴۵ درصد است.

– تأثیر هویت قومی بر مشارکت سیاسی

جدول ۱۵. تأثیر هویت قومی بر مشارکت سیاسی

تصادفی			گروه مورد بررسی
sig	z-value	اندازه ترکیبی	
۰,۰۰۰	۴,۴۱۰	۰,۴۳۳	ترک
۰,۰۰۰	۱۱,۳۳۳	۰,۳۰۶	فارس
۰,۰۰۲	۲,۷۸۴	۰,۳۹۴	کرد
۰,۰۰۰	۵,۵۷۳	۰,۴۷۸	عرب
۰,۰۰۱	۳,۹۱۰	۰,۳۸۱	ترکمن
۰,۰۰۰	۵,۷۸۱	۰,۴۰۱	لر
۰,۰۰۰	۲۹,۸۶۵	۰,۴۶۹	اثر کل

نتایج نشان می‌دهد از بین گروه‌های قومی وارد شده در نرم‌افزار هویت قومی عرب با مقدار ۰,۴۷ درصد و هویت قومی ترک با مقدار ۰,۴۳ درصد بیشترین و هویت قومی کرد با مقدار ۰,۳۹ درصد و هویت قومی فارس با مقدار ۰,۳۰ درصد و همچنین قوم ترک با مقدار ۰,۳۸ درصد به عنوان متغیر میانجی کمترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی داشته‌اند و اثر کلی هویت قومی بر مشارکت سیاسی برابر با ۰,۴۶ درصد بوده است.

– تأثیر سطح توسعه استان بر مشارکت سیاسی

جدول ۱۶. سطح توسعه استان بر مشارکت سیاسی

مدل اثر تصادفی			گروه مورد بررسی
sig	z-value	اندازه ترکیبی	
۰,۰۰۰	۲۰,۱۹۰	۰,۵۰۰	در حال توسعه
۰,۰۰۰	۱۵,۵۲۸	۰,۴۵۰	کم توسعه
۰,۰۰۰	۹,۲۶۳	۰,۳۷۷	توسعه یافته
۰,۰۰۰	۴۰,۸۲۵	۰,۳۸۰	اثر کل

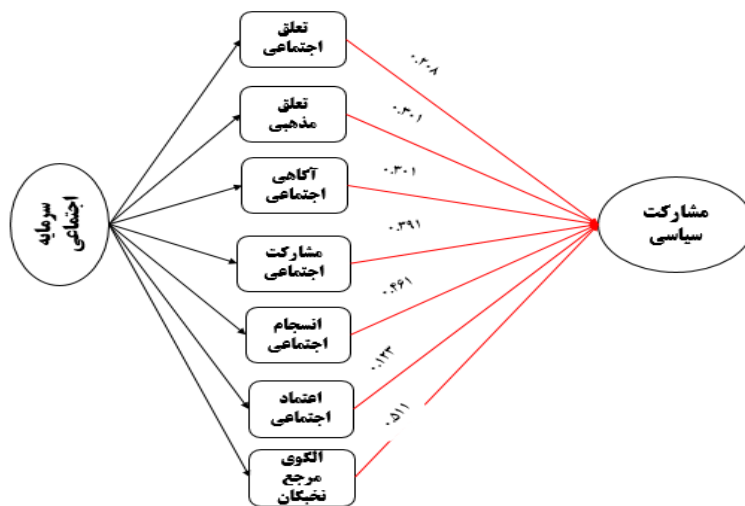
نتایج نشان می‌دهد از بین استان‌های مورد مطالعه مناطق در حال توسعه با مقدار ۰,۵۰ درصد و کمتر توسعه یافته با مقدار ۰,۴۵ درصد بیشترین و استان‌های توسعه یافته با مقدار ۰,۳۷ درصد کمترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی داشته‌اند و اثر کلی سطح توسعه بر مشارکت سیاسی برابر با ۰,۳۸ درصد بوده است.

بحث و نتیجه

در ایران، سرمایه اجتماعی پشتوانه مهمی برای مشارکت سیاسی است. به تعبیری، میزان ارتباط و انسجام اجتماعی بین اقوام با اقوام، اقوام با نظام، و میزان سرمایه اجتماعی بین مردم و حکمرانی سیاسی در مشارکت سیاسی تعیین کننده است؛ به گونه‌ای که اهمیت سرمایه اجتماعی در توسعه سیاسی ایران در برهه‌های مختلف تاریخی تا انتخابات ۱۴۰۰ آشکار شده است. درباره تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی ۱۸ سند تحقیقی در بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۹ به دست آمد. اما، به دلیل اجرا به وسیله محققان مختلف، بازه‌های مختلف زمانی، گروه‌های مختلف قومی و جغرافیایی نتایج پراکنده‌ای داشته است. بنابراین، پژوهش حاضر، با شیوه فراتحلیل، برای تجمیع اندازه اثر پژوهش‌ها و برآورد اثر کلی سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی اجرا شد. نتایج نشان داد بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۹ رابطه معنادار وجود داشته و در این دوازده سال بر اساس این ۱۸ پژوهش سرمایه اجتماعی توانسته ۴۶ درصد از تغییرات مشارکت سیاسی را تبیین و پیش‌بینی کند و در این میان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی هم بر مشارکت سیاسی تأثیر معناداری داشته‌اند:

- رابطه انسجام اجتماعی (۰,۴۶۱) و مشارکت سیاسی معنادار است. بدین معنی که انسجام اجتماعی بالا مشارکت سیاسی بالا را به دنبال دارد.
- رابطه مشارکت اجتماعی (۰,۳۹۱) و سیاسی هم مثبت است. یعنی با بهبود مشارکت اجتماعی مشارکت سیاسی هم افزایش می‌یابد.
- تعلق مذهبی (۰,۳۱۰) و مشارکت سیاسی نیز با هم رابطه معنادار دارند. بدین مفهوم که تعلق مذهبی و دین‌داری از مؤلفه‌های مهم تقویت مشارکت سیاسی‌اند. با تعمیق و تشدید باورهای مذهبی و وابستگی فرد به مذهب، به همان میزان، مشارکت سیاسی افزایش می‌یابد.

- رابطه آگاهی اجتماعی (۰,۳۰۱) و مشارکت سیاسی معنادار است. با آگاهی اجتماعی تمایل به مشارکت بیشتر می‌شود.
- رابطه تعلق اجتماعی (۰,۲۰۸) و مشارکت سیاسی معنادار است. با افزایش تعلق اجتماعی و عرق ملی و اجتماعی تمایل شهروندان به مشارکت بیشتر می‌شود.
- رابطه اعتماد اجتماعی (۰,۱۲۳) و مشارکت سیاسی مثبت است. با تعمیق اعتماد تمایل شهروندان به مشارکت سیاسی عمیق‌تر می‌شود.
- گروه مرجع نخبگان (۰,۱۰۲) و مشارکت سیاسی رابطه معنادار دارند. مراجع و نخبگان تمایل شهروندان برای مشارکت سیاسی را افزایش می‌دهند. خلاصه اینکه سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن شامل انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تعلق مذهبی، آگاهی اجتماعی، تعلق اجتماعی، اعتماد اجتماعی، و گروه مرجع نخبگان بر مشارکت سیاسی در ایران در بازه زمانی دوازده سال بین سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۹ آثار مثبت و معنادار داشته‌اند. بر اساس نتایج این تحقیق رابطه این مؤلفه‌ها و مشارکت سیاسی در شکل ۲ ترسیم شده است.



شکل ۲. رابطه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی

پیشنهاد

برای تقویت رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی ضرورت دارد رابطه مردم و نظام سیاسی تقویت شود. برای تحقق این هدف لازم است ضمن جلوگیری از رسانه‌ای شدن وعده و وعیدهای انتخاباتی غیرعملیاتی وعده‌های به مردم داده شود که می‌تواند جامعه عمل ببوشد. علاوه بر این، برای تقویت رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی پیگیری و عملیاتی کردن مواردی ضروری به نظر می‌رسد:

۱. تقویت سرمایه اجتماعی بین شهروندان با افزایش تعامل وفق اعتماد و مشارکت و انسجام اجتماعی.
۲. کاهش تعصبات اجتماعی از طریق ایجاد مدارای اجتماعی بین گروه‌ها با کمک آموزش و برگزاری کارگاه و دوره‌های آموزشی.
۳. تقویت شناخت شهروندان از هم و ایجاد فضای مناسب بین آنها برای کم کردن تصورات قالبی.
۴. کاهش پنداشت‌های منفی و اصلاح نگرش به باورهای عمومی در جهت تحقق و تقویت سرمایه اجتماعی.
۵. شکل‌گیری مدیریت واحد رسانه‌ای برای مقابله با شایعه‌پراکنی رسانه‌های خارجی.
۶. کاهش فاصله شهروندان با نمایندگان، نخبگان سیاسی، و رؤسای جمهوری برای بازسازی و بازگرداندن سرمایه‌های اجتماعی ازدست‌رفته.
۷. مردمی کردن روابط نخبگان فکری و ابزاری با شهروندان برای تقویت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی.
۸. برخورد قاطعانه با مفاسد سیاسی برای احصای اعتماد و اعتبار ازدست‌رفته.
۹. مدیریت و رهبری مسائل سیاسی برای تحقق همگرایی و انسجام اجتماعی به عنوان مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی.

منابع

- آبرکرامبی، نیکولاس؛ استیون هیل؛ برایان اس. ترنر (۱۳۶۷). فرهنگ جامعه‌شناسی، مترجم: حسن پویان، چاپخس.
- ازکیا، مصطفی؛ غلامرضا غفاری (۱۳۹۶). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، نی. اسلامی، محمدحسین؛ جعفر رجبلو؛ محسن داودخانی (۱۳۹۸). «بررسی میزان مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی با تأکید بر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی»، پژوهش اجتماعی، ۴۵(۱۱)، ص ۱۴۹ - ۱۶۸.
- امام‌جمعه‌زاده، جواد؛ حوا ابراهیمی‌پور؛ محمودرضا رهبرقاضی؛ مرتضی نوعی‌باغبان (۱۳۹۲). «سنجش رابطه فرهنگ سیاسی و رفتار سیاسی دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان»، زن در توسعه و سیاست، ۴۰(۱۱)، ص ۱۱۹ - ۱۳۴.
- امام‌جمعه‌زاده، سید جواد؛ محمودرضا رهبرقاضی؛ امید عیسی‌نژاد؛ زهره مرندی (۱۳۹۱). «بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان»، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۲۸(۷)، ص ۷ - ۳۴.
- امام‌جمعه‌زاده، سید جواد؛ زهره مرندی (۱۳۹۱). «بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان در بین دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد»، دانش سیاسی و بین‌الملل، ۱(۱)، ص ۱ - ۱۴.
- امام‌جمعه‌زاده، سید جواد؛ راضیه مهربانی کوشکی؛ محمودرضا رهبرقاضی (۱۳۹۳). «بررسی نقش ابعاد ساختاری و ارتباطی سرمایه اجتماعی در تبیین مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه اصفهان)»، راهبرد، ۷۰(۲۳)، ص ۱۵۳ - ۱۷۸.
- انصاری، احمد (۱۳۹۶). «اثر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی (جوانان ۲۰ - ۳۵ سال) کهگلویه و بویراحمد در دوره اول ریاست‌جمهوری روحانی»، رهیافت انقلاب اسلامی، ۴۰(۱۱)، ص ۱۴۵ - ۱۵۰.
- ایمانی، محمد (۱۳۹۵). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند»، مطالعات جامعه‌شناسی، ۳۳(۹)، ص ۶۷ - ۸۱.
- باقری، معصومه؛ علی حسین حسین‌زاده؛ حسن شجاعی (۱۳۹۷). «بررسی تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، احساس بی‌قدرتی، وفاق اجتماعی، پیوند اجتماعی) بر مشارکت سیاسی زنان استان خوزستان (مطالعه موردی: شهر اهواز)»، توسعه اجتماعی، ۴۷(۱۲)، ص ۲۹ - ۶۲.
- بیرو، آلن (۱۳۸۰). فرهنگ علوم اجتماعی (انگلیسی - فرانسه - فارسی)، مترجم: باقر ساروخانی، کیهان.

- پناهی، محمدحسین؛ سمیه‌السادات بنی فاطمه (۱۳۹۴). «فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی زنان»، علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبایی)، ۶۸(۰)، ص ۳۵ - ۷۸.
- پناهی، محمدحسین؛ غلام‌رضا خوشفر (۱۳۹۰). «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: استان گلستان)»، پژوهشنامه جامعه‌شناسی جوانان، ۲(۱)، ص ۶۱ - ۸۲.
- پناهی، محمدحسین؛ فریبا شایگان (۱۳۸۶). «اثر میزان دین‌داری بر اعتماد سیاسی»، علوم اجتماعی، ۳۷، ص ۰ - ۷۳.
- پناهی، محمدحسین؛ اسماعیل عالی‌زاد (۱۳۸۳). «تأثیر وسایل ارتباط جمعی بر مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی»، علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبایی)، ۲۸-۲۹(۱)، ص ۸۹ - ۱۳۲.
- جوج، مرتضی؛ مجید گله‌دار (۱۳۹۱). «عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: شهروندان شهر تهران)»، مطالعات انتخابات، ۲(۱)، ص ۷ - ۳۲.
- حبیب‌پور، کرم؛ سید حمیدرضا موسوی خورشیدی (۱۳۹۵). «رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: شهروندان قم)»، رفاه اجتماعی، ۱۶، ص ۳۵۹ - ۳۹۱.
- خداوردی، علی (۱۳۸۳). «مشارکت عمومی و همبستگی ملی، سازمان عقیدتی-سیاسی نیروی انتظامی، معاونت سیاسی».
- خلف‌خانی، مهدی؛ مرجان حیدری (۱۳۹۴). «تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه پیام نور شهرکرد»، پژوهش‌های جامعه‌شناختی، ۳۲(۹)، ص ۴۷ - ۷۸.
- خوشفر، غلام‌رضا (۱۳۸۷). «تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: استان گلستان)»، پایان‌نامه دکتری، دانشکده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.
- خوشفر، غلام‌رضا؛ مصطفی باقریان جلودار؛ شهربانو میرزاخانی؛ فاطمه جندقی میرمحلّه (۱۳۹۸). «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی شهروندان (مورد مطالعه: شهر گرگان)»، پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۱۴(۸)، ص ۲۷ - ۵۲.
- راش، مایکل (۱۳۹۹). «جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی»، مترجم: منوچهر صبوری، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

- سروش، مریم؛ مریم حسینی (۱۳۹۲). «نوجوانان، جوانان و مشارکت سیاسی؛ بررسی مقایسه‌ای نقش عوامل جامعه‌پذیری در مشارکت سیاسی جوانان و نوجوانان شیراز»، *علوم اجتماعی* (دانشگاه فردوسی مشهد)، ۲۲(۱۰)، ص ۹۳ - ۱۲۶.
- شوهانی، احمد؛ نادر شوهانی (۱۳۹۸). «سنجش و تحلیل میزان تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی مردم (مطالعه موردی: ایلام)»، *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ۳۳(۹)، ص ۱ - ۲۵.
- عباسی سرمدی، مهدی؛ راضیه مهرابی کوشکی؛ محمودرضا رهبرقاضی (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت در انتخابات»، *مسائل اجتماعی ایران*، ۱۶(۵)، ص ۴۱ - ۶۰.
- عبداللهیان، حمید؛ حسین کرمانی (۱۳۹۴). «تبیین رابطه سرمایه اجتماعی کاربران ایرانی در شبکه اجتماعی فیس‌بوک و مشارکت سیاسی در دنیای واقعی»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۶(۴)، ص ۶۱۵ - ۶۳۶.
- غفاری، غلامرضا؛ محسن نیازی (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی مشارکت*، نزدیک.
- غفاری هاشجین، زاهد؛ عبدالرضا بیگی‌نیا؛ اکرم تصمیم‌قطعی (۱۳۸۹). «عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران»، *دانش سیاسی*، ۱۲(۶)، ص ۲۰۷ - ۲۴۰.
- فاضلی، محمد؛ غلامرضا خوشفر (۱۳۸۹). «مشارکت سیاسی در استان گلستان»، *مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۱(۴)، ص ۱۳۴ - ۱۵۱.
- فرهمند، مهناز؛ سمیه وکیلی قاسم‌آباد؛ الهه پوررجیمیان (۱۳۹۵). «بررسی مشارکت سیاسی جوانان شهر یزد و عوامل مؤثر بر آن»، *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۳۳(۱۵)، ص ۱۰۷ - ۱۳۱.
- فیرحی، داود (۱۳۷۷). «مفهوم مشارکت سیاسی»، *علوم سیاسی* (دانشگاه باقرالعلوم^(ع))، ۱(۱)، ص ۳۶ - ۷۰.
- کلانتری پور، سمیرا؛ سیروس محبی؛ مسلم رستمی؛ اقبال سلطانی (۱۳۹۵). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی شهروندان در مناطق حاشیه نشین شهرها (نمونه مورد مطالعه: مناطق حاشیه‌نشین شهر کرمانشاه)»، *علوم اجتماعی* (دانشگاه آزاد شوشتر)، ۳۴(۱۰)، ص ۱۴۵ - ۱۷۲.
- کلمن، جیمز سمیوئل (۱۳۹۰). *بنیادهای نظریه اجتماعی*، مترجم: منوچهر صبوری، نی.
- موحد، مجید؛ حلیمه عنایت؛ آرش پورنعمت (۱۳۸۷). «بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان»، *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی*، س ۸ (***)، ص ۱۶۱ - ۱۹۰.
- میلبرث، لستر؛ لیل گوئل (۱۳۸۶). *مشارکت سیاسی*، مترجم: سید رحیم ابوالحسنی، میزان.

نجات، جعفر؛ حمید عبادالهی چنذاتق؛ حبیب‌الله زحمت‌کش (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال استان بوشهر)»، *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۲۶(۱۳)، ص ۱۷۱ - ۱۸۳.

نجفی، محمدجواد؛ رضا معصومی‌راد؛ مظفرالدین شهبازی (۱۳۹۹). «بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر کرمانشاه»، *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۱۰(۳)، ص ۱۳۱ - ۱۵۵.

نیازی، محسن؛ زهرا حسن‌زاده؛ الهام شفایی‌مقدم (۱۳۹۵). «تحلیل جامعه‌شناختی نقش امر جامعه‌پذیری در فرایند مشارکت سیاسی (انتخاباتی) شهروندان (مورد مطالعه: شهر کاشان و آران و بیدگل)»، *مطالعات انتخاباتی*، ۱۲-۱۳(۵)، ص ۶۷ - ۹۴.

نیازی، محسن؛ مهران سهراب‌زاده؛ زهرا حسن‌زاده (۱۳۹۶). «واکاوی جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی شهروندان از منظر سرمایه اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان شهر کاشان و آران و بیدگل)»، *مطالعات انتخاباتی*، ۱۴-۱۵(۶)، ص ۱۴۱ - ۱۶۸.

References

- Abbasi Sarmadi, M., Mehrabi Koshki, R., & Rahbar-Ghazi, M.R. (2014). "Investigating the effect of social capital on participation in elections", *Half-Yearly of Social Problems of Iran*, 5(2), pp. 41-60. (in Persian)
- Abdollahyan, H. & Kermani, H. (2015). "Explaining correlation between being a Facebook user and political participation", *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 4(4), pp. 615-636. (in Persian)
- Abercrombie, N., Hill, S., & Turner, B. S. (1998). *The Penguin dictionary of sociology* (H. Poyan, trans.), Chapakhsh Publications. (in Persian)
- Åberg, M. & Sandberg, M. (2017). *Social capital and democratisation: roots of trust in post-Communist Poland and Ukraine*, Routledge.
- Ansari, A. (2017). "The Impact of Social Capital on Political Participation (Youth 20-35) Kohgoluyeh and Boyerahmad in Rouhani's First Presidency", *Rahyafte Enghelab Eslami*, 40(11), pp. 145-150. (in Persian)
- Azkiya, M. & Ghaffari, Gh. (2017). *Rural development with emphasis on rural society in Iran*, Tehran, Ney. (in Persian)
- Bagheri, M., Hosseinzadeh, A., & Shojaie, H. (2018). "The Effect of Social Capital Dimensions (Social Trust, Sense of Powerlessness, Social Cohesion, Social Links) on Women's Political Participation Khouzestan Province (Case Study: Ahvaz)", *Quarterly Journal of Social Development (Previously Human Development)*, 47 (12), pp. 29-62. (in Persian)
- Bierou, A. (1987). *Social Science Dictionary* (English and French-Persian).

- Bolino, M. C., Turnley, W. H., & Bloodgood, J. M. (2002). "Citizenship behavior and the creation of social capital in organizations", *Academy of management review*, 27(4), pp. 505-522.
- Booth, J. A. & Richard, P. B. (1998). "Civil society, political capital, and democratization in Central America", *The Journal of Politics*, 60(3), pp. 780-800.
- Bourdieu, P. (2005). *Forms of Social Capital in Social Capital, Trust, Democracy and Development in Iran*.
- Boutillier, R. (2017). *Stakeholder politics: Social capital, sustainable development, and the corporation*, Routledge.
- Coleman, J. S. (1994). *Foundations of social theory* (M. Sabouri, trans.), Tehran, Ney. (in Persian)
- Emamjomehzadeh, S. J., Rahbarghazi, M., Isanezhad, O., & Marandi, Z. (2012). "Study of Relationship between Social Capital and Political Participation among Students of the University of Isfahan", *Research Letter of Political Science*, 7(4), pp. 7-33. (in Persian)
- Emamjomzadeh, S., Ebrahimipour, H., Rahbarghazi, M., & Nouibaghban, M. (2013). "Assessing the relationship between political culture and political behavior of female students at the University of Isfahan", *Women in Development and Politics (Women's Research)*, 11(1), pp. 119-134. (in Persian)
- Emamjomzadeh, S. & Marandi, Z. (2012). "Investigating the relationship between social capital and women's political participation among students of Ferdowsi University of Mashhad", *Political and international knowledge*, 1(1), pp. 1-14. (in Persian)
- Eslami, MH., Rajablo, J., & Davoudkhani, M. (2019). "Investigating the level of political participation of Tehran citizens with emphasis on the components of social capital", *Social Research*, 11(45), pp. 149-168. (in Persian)
- Farahmand, M., Vakili Ghasemabad, S., & Pour-Ragimiyan, E. (2016). "Investigating the political participation of the youth of Yazd and the factors affecting it", *Strategic studies of sports and youth*, 33(15), pp. 107-131. (in Persian)
- Fayrahi, D. (1998). "The concept of political participation", *Political Science*, 1(1), pp. 38-69. (in Persian)
- Fazeli, M. & Khoshfar, G. (2010). "Political participation in Golestan province", *Iranian Journal of Social Studies*, 4(3), pp. 88-100. (in Persian)
- Ghafari-Hashjin, G., Beiginia, A. A. R., & Tasmimghatie, A. T. (2011). "The Effective Factors in Political Participation of Political and Engineering Students of Tehran University", *Political Knowledge*, 6(2), p. 207. (in Persian)
- Habib-Poor, K. & Mosavi Korshidi, S. H.R. (2016). "Relation between Social Capital and Political Participation (Case Study: Qom Citizens)", *Yektaweb_Journals*, 16(62), pp. 359-391. (in Persian)
- Imani, M. (2017). "The relationship between social capital and political participation of citizens 18 to 40 years in Marand", *Sociological studies*, 9(33). (in Persian)
- Jouj, M. & Galedar, M. (2012). "Factors Affecting Political Participation (Case Study of Tehran Citizens)", *Election Studies*, 2(1), pp. 7-32. (in Persian)
- Kalantaripour, S., Mohebopour, S., Rostami, M., & Soltani, E. (2016). "Investigating Social Factors Affecting Citizens' Political Participation in Suburban Areas (Case Study: Kermanshah Suburban Areas)", *Social Sciences*, 10(34), pp. 145-172. (in Persian)

- Khalafkhani, M. & Heydari, (2015). "Investigating the effect of social cold on political participation among students of Payame Noor University in Shahrekord", *Sociological Research*, 32(9), pp. 47-78. (in Persian)
- Khodaverdi, A. (2004). *Public participation and national solidarity*, Political ideological organization of the police force, political deputy. (in Persian)
- Khoshfar, G. (2008). *The effect of social capital on political participation in a case study of Golestan province* (PhD Thesis), Allameh Tabatabai University - Faculty of Social Sciences, Tehran. (in Persian)
- Khoshfar, G., Bagheriyan, M., Mirzakhani, Sh., & Jandaghi, F. (2019). "The relationship between social capital and political participation of citizens (Case study: Gorgan)", *Two Quarterly Journal of Contemporary Sociological Research*, 8(14), pp. 27-52. (in Persian)
- Krishna, A. (2002). "Enhancing political participation in democracies: What is the role of social capital?", *Comparative political studies*, 35(4), pp. 437-460.
- La Due Lake, R. & Huckfeldt, R. (1998). "Social capital, social networks, and political participation", *Political psychology*, 19(3), pp. 567-584.
- Leonardi, R., Nanetti, R. Y., & Putnam, R. D. (2001). *Making democracy work: Civic traditions in modern Italy*, Princeton University Press Princeton, NJ, USA.
- LeRoux, K. (2007). "Nonprofits as civic intermediaries: The role of community-based organizations in promoting political participation", *Urban Affairs Review*, 42(3), pp. 410-422.
- Levi, M. (1996). "Social and unsocial capital: A review essay of Robert Putnam's Making Democracy Work", *Politics & Society*, 24(1), pp. 45-55.
- McClosky, H. (1968). "Political participation", *International encyclopedia of the social sciences*, 12, pp. 252-265.
- Mehrabi Koushki, R., Emamjomezadeh, S., & Rahbarghazi, M. (2014). "A Study on the Role of Structural and Communicational Dimensions of Social Capital in Political Participation Investigation (Case Study: Students of the University of Isfahan)", *Strategy*, 23(1). (in Persian)
- Milbert, L. & Gouel, L. (2007). *Political Participation* (R. Abolhasani, trans.), Tehran, Mizan. (in Persian)
- Movahed, M., Enayat, H., & Pournemat, A. (2008). "Investigating the relationship between social capital and women's political participation", *Journal of Humanities and Social Sciences*, 8(1 (Special issue of social research)), pp. 161-190. (in Persian)
- Najafi, M., Masoumirad, R., & Shahbazi, M. (2020). "Study of the relationship between social capital and political participation among citizens of Kermanshah city", *Political Sociology of Iran*, 3(2), pp. 131-155. (in Persian)
- Nejat, J., Ebadelahi, H., & Zahmatkesh, H. (2004). "Investigating the Impact of Social Capital on Political Participation (Case Study: Youth aged 15 to 29 in Bushehr Province)", *Strategic studies of sports and youth*, 13(26), pp. 171-183. (in Persian)
- Niazi, M., Hasanzadeh, Z., & Shafaiemoghadam, E. (2016). "Sociological analysis of the role of socialization in the process of political (electoral) participation of citizens (Case study: Kashan, Aran and Bidgol)", *Election Studies*, 12(5), pp. 67-94. (in Persian)

- Niazi, M., Sohrabzadeh, M., & Hasanzadeh, Z. (2017). "Sociological analysis of citizens' political participation from the perspective of social capital; (Study of citizens of Kashan, Aran and Bidgol)", *Election Studies*, 14-15(6), pp. 141-168. (in Persian)
- Norris, P. (2002). *Democratic phoenix: Reinventing political activism*, Cambridge University Press.
- Panahi, M.H. & Alizadeh, E. (2005). "The Effect of Mass Media on Tehran Residents Political Participation", *Social Sciences*, 12(28.29), pp. 89-131. (in Persian)
- Panahi, M.H. & Shaygan, F. (2007). "The effect of religiosity on political trust", *Social Sciences*, 14(37), pp. 73-108. (in Persian)
- Panahi, M. & Bani-Fatemeh, S. S. (2015). "Political Culture and Political Participation of Women", *Social Sciences*, 22(68), pp. 35-78. (in Persian)
- Panahi, M. & Khoshfar, G. (2012). "Investigating the Impact of Social Capital on Political Participation (Case Study of Golestan Province)", *Journal of Youth Sociology*, 1(2), pp. 61-82. (in Persian)
- Putnam, R. D. (1995). "Tuning in, tuning out: The strange disappearance of social capital in America", *PS: Political science & politics*, 28(4), pp. 664-683.
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*, Simon and schuster.
- Rush, M. (1998). *Society and politics: an introduction to political sociology* (M. Sabouri, trans.), Tehran, Samt. (in Persian)
- Shohani, A. & Shohani, N. (2019). "Measuring and Analyzing the Impact of Social Capital on People's Political Participation (Case Study: Ilam City)", *prw*, 9(4), pp. 1-25. (in Persian)
- Skocpol, T. & Fiorina, M. P. (2004). *Civic engagement in American democracy*, Brookings Institution Press.
- Soroush, M. & Hosseini, M. (2003). "Adolescents, young adults and political participation: A comparative study on the role of socialization factors affecting youth political participation in Shiraz", *Journal Of Social Sciences*, 1(1), pp. 93-125. (in Persian)
- Teorell, J. (2003). "Linking social capital to political Participation: Voluntary associations and networks of recruitment in Sweden 1", *Scandinavian Political Studies*, 26(1), pp. 49-66.
- Ulzurrun, D. de. (2002). "Associational membership and social capital in comparative perspective: A note on the problems of measurement", *Politics & Society*, 30(3), pp. 497-523.
- Verba, S., Schlozman, K. L., & Brady, H. E. (1995). *Voice and equality: Civic voluntarism in American politics*, Harvard University Press.
- Welzel, C., Haerpfer, C. W., Bernhagen, P., & Inglehart, R. F. (2018). *Democratization*, Oxford University Press.